

## سیری در آثار باستانی عراق

سرآغاز هر کدام از شهرهای باستانی کشور عراق، دوره‌ای از ادوار تاریخی را با سیر تطوّر و تحول شتابان تمدن پشت سر نهاده است. آلحضراء (هاترا) نیز عصر درخشانی را در شرایط منحنی که در آن بود، در صحنه تاریخ آن زمان سپری نمود، با آنکه در اقطار جنوب غربی آسیا تمدنهای اعراب و آرامی و آشوری و ایرانی و یونانی و رومی و مصری حضور داشتند. در آن دوره پر آشوب که کشورهای مقتدر و متخاصم راه انداختند و صدمات آن به اکثر مناطق رسید، حضر (هاترا) همچنان از این حوادث خانمان برانداز برحذر بود و لذا به هنر و صنایع خود (در آن بجهت حوادث) رنگ و شکلی تازه بخشید، و اعتقاد و باورهای خود را بر روی بناها و حجاریهای بسیار بر سنگ به نمایش گذاشت. همه این هنرنمایی حاصل فکر و قُاد و آگاه و روشن و مجرّب، و نیز برخواستن از روح و روانی صاف و بی آرایش و آرام مردمانی بود که در چنان محیطی استعدادها را برمی انگیزاند و با جان و دل در فضای بادیه احساس می شد. محیطی که نه مرزی و حدودی برای آن وجود داشت و نه بیگانه‌ای بر آن حکم می راند. شهر حضر (هاترا) با موقعیت جغرافیایی ویژه خود در بادیه‌های سرزمین عراق، در دوردست‌ترین مناطق نفوذ کشورهای متخاصم واقع بود، که با داشتن قلعه‌ها و باروها و خندقهای عمیق در اطراف آن، از حوادث دوران محفوظ و مصون ماند. در وسط

این شهر معبد باشکوهی قرار داشت که به اطراف شهر محیط و با صخره‌های سنگی عظیم بنا شده، و داخل معبد را مجسمه‌های بزرگان شهر و بت‌های بزرگترین خدایان مزین کرده بود. هنگامیکه اوضاع سیاسی در کشورهای مشرق‌زمین در نیمه قرن سوم میلادی (بازپهور ساسانیان) دستخوش تحوّل گشت، دوران تمدن درخشان حضر (هاترا) نیز اوفول و پایان یافت و همه آثار تمدن فروکش نمود و به بوته فراموشی رفت تا زمانی که مدیریت آثار باستانی کشور به سال ۱۹۵۱ میلادی بر آن شد که آثار باقیمانده تمدن هاترا را کاوش کند. در مراحل اولیه کاوش، پیوسته به خاک برداری بناهای برجای مانده مشغول بودند و سپس تدریجاً به بازسازی و احیاء ابنیه هاترا اقدام شد. کتاب «حضر شهر خورشید» به عنوان شناسنامه و سند تاریخی این شهر باستانی محسوب می‌شود. بنابراین تا آنجا که کاوشهای باستانشناسی انجام گرفته و امکان بررسی و شناسایی جهت آشکار کردن تمدن معماری حضر معماری حضر بطور کلی در شیوه ساخت و ساز و استفاده از مواد و مصالح و نوع سبک معماری و هنرهای تزئینی و آرایشی بناها اسلوب‌های ویژه خود را داراست. در آثار معماری حضر، معمولاً از سنگهای تفته و گچ به کثرت استفاده شده و نیز در ساخت ایوانها که یکی از عنصرهای اصلی سبک معماری آن بشمار می‌آید. تزئینات بر روی ایوانهای معبد کبیر با ساختن مجسمه‌ها و آرایشهای هنری و ستونها و نیمه ستونهای نهاده شده با اسلوب معینی از معماری دقیق آن حکایت می‌کند. ابنیه حضر در مرحله اول به دو نوع تقسیم می‌شود: یکدسته که با خشت خام و ملاط گچ ساخته شده‌اند و دسته دیگر از

ابنيه که ارتفاع بلندی را دارا هستند که با تخته سنگهای بزرگ و تفتیده همراه با استفاده از گچ ساخته شده‌اند. براین اساس شهر حضر از کهنترین شهرهای معروفی است که در ابنيه آن گچ به طور وسیعی بکار گرفته شده‌است. البته ملاط در آثار و بناهای شهرهای قدیمی مثل آشور و نینوی و بابل که از گل ساده و احياناً از قیر بوده کاربرد داشته است. ساختمانهای مسکونی و معابد کوچک از ابنيه نوع اول است که معمولاً با خشت خام و گچ ساخته شده‌اند البته قسمت زیربنایی دیوارها را بطور بسیار قلیل از قطعه سنگهای مرتب و به اندازه ساخته‌اند. و پس از آن ساختمان را به همین شیوه به اتمام رسانده و اطاقها و دیوارهای آن را با خشت خام و گچ محکم می کردند. از دوره سکونت‌های اولیه، در جبهه شرقی شهر در وسط آن، قسمت بیرونی حیاط خانه‌ای کشف گردید که اطرافش را اطاقها و تأسیسات سکونتگاههای دیگر تشکیل داده بود. و اگر این خانه بنای وسیعی بوده باید بیش از یک حیاط داشته باشد و در حین حال مشتمل بر قسمتی ویژه برای پذیرایی مهمانان نیز باشد. البته موقعیت این ساختمان به گونه‌ای است که کسی نمی تواند به داخل آن راه پیدا کند بلکه از لابلاي خلال گذرگاهی که دارد می توان به آن راه پیدا نمود. از بناهای دیگری که با خشت خام بزرگ ساخته شده‌اند معابد کوچکی هستند که تاکنون با توجه به کاوشهای باستان‌شناسی بالغ بر یازده معبد شده‌اند. این معابد از حیث سبک معماری شبیه به هم هستند. یکی از آن معابد از مصلى مستطیل شکلی تشکیل شده در قسمت وسطی یکی از ضلعهای طولی مصلى، اطاق چهارگوش کوچکی به آن متصل بوده که خلوتگاه «ایزدی» است که

مجسمه‌اش را در آنجا نصب کرده‌اند. و در جلوی مصلی حیاط بزرگی واقع شده که در اطراف آن ساختمانهای مسکونی و یا خانه‌های کوچک و نیز ایوانهایی باشبستان برای خدمات ویژه معبد ساخته‌اند. یکی از این معابد کوچک که همان معبد هشتم است دارای دو مصلاً و یا خانه برای بتان می‌باشد که یکی از آنها پس از تخریب آن دیگری بنا گردیده و آن مصلاً قدیمی را طایفه بنوتیمو و بنوبلقب در سال ۹۸ میلادی برای عبادت (نرجول) ساخته‌اند این مصلی دارای اطاقکی چهار گوش بوده که از طریق درب ورودی وسط یکی از ضلعهای طولی معبد به آن داخل می‌شوند، روبروی این درب ورودی در ضلع طولی معبد محرابی تعبیه شده که در آن بت خدای نرگول (نرجول) قرار داده شده‌است. در مصلاً دومی معبد هشتم مشاهده می‌شود که اطاقک چهار گوش کوچکی برای محل این محراب ساخته شده‌است. این اطاق دیوارهایش به خارج از ساختمان اصلی بیرون زده‌است به صورتی که مصلی از بخش بیرونی به شکل مستطیلی چسبیده به چهار گوش کوچکی (در قسمت وسطی طول معبد) خود را نشان می‌دهد، و این سبک معماری برای همه معابد کوچک در حضر مرسوم گردید. شکوه و زیندگی این شکل معماری همچنین با افزودن آن به خلوتگاه شمس نیز که پشت ایوانهای همردیف قرار دارد، مشاهده می‌گردد، خلوتگاه شمس را تقریباً شبیه به شکل معابد کوچک ساخته‌اند. معبدی نیز با سبک و شیوه معابد کوچک حضر در شهر دورا اورپوس نیز وجود دارد که این معبد مخصوص پرستش «جد» الهه خوشبختی است. اما نوع دوم از ابنیه حضر که با تخته‌سنگها ساخته شده‌اند بلندترین و



بزرگترین این آثار دیوار و باروی قدیمی شهر است، و نیز همراه با برجها و دروازه‌های آن و همچنین معبد کبیر که در وسط شهر حضر بنا شده‌است، و همچنین گورها و قبرها و آرامگاههای مخصوصی که در داخل شهر پراکنده می‌باشند بویژه در جبهه شرقی شهر. معبد کبیر باشکوهترین و بزرگترین بناهای شهر حضر است. و مهمترین بنای معبد ساختمان مستطیل شکلی است که دیوارهای سنگی آن را احاطه کرده‌اند که معبد را به دو بخش مجزای صحن و حرم معبد تقسیم می‌کند، داخل معبد کبیر، شش معبد مشخص یا عبادتگاه (مصلی) پراکنده که هر کدام مخصوص عبادت یکی از خدایان است قرار دارد. دیوارهای این بناها با شیوه و سبک خاصی ساخته شده‌اند. سطح نمای هر دیواری را با تخته‌سنگهایی صاف و مرتب بنا کرده‌اند و قسمت و روی داخلی دیوار را با قلوه‌سنگها ساخته‌اند. و جاهای خالی دیوارها را با ملاط گچ و خرده سنگها پر کرده‌اند و قسمت و روی داخلی دیوار را با قلوه‌سنگها ساخته‌اند. و جاهای خالی دیوارها را با ملاط گچ و خرده سنگها پر کرده‌اند، با توجه به ضرورت ربط و پیوند قسمت بیرونی و درونی دیوار در فاصله‌های مناسب با سنگهای پهن و دراز، همان کاری را که میخ در به هم وصل کردن چوب دارد همان را نیز این سنگهای دراز انجام می‌دهند. از ویژگیهای معماری حضر عدم جمع ابنیه، داخل یک معبد واحد در مرکز واحد معینی می‌باشد. لذا ابنیه و آثار داخل و محدوده معبد کبیر پراکنده هستند و به همین گونه این قضیه در مورد معابد کوچک صادق است، از آنجا که ما شاهد می‌کنیم که خانه‌های ساخته شده در اطراف حیاط با عبادتگاه همگی از هم فاصله دارند و به

هم متصل نمی‌باشند. در هر بنایی از بناهای شهر حضر که کاوش و مورد بررسی قرار گرفته‌است تقریباً داری ایوان می‌باشند. و ایوان در کلیه معابد و کاخها و خانه‌های مسکونی شهر به عنوان یک عنصر معماری حضور دارد. و این عنصر معماری متداول در حضر، بناهای آن را از آثار و بناهای هلنی و رومی متمایز و مشخص می‌گرداند. زیرا که در بناهای هلنی و رومی سنگی به وفور به جای ایوان بکار گرفته می‌شود بویژه در شهرهایی که معاصر دوره معماری حضر هستند. ایوان در معماری حضر برای یکی از دو هدف یا دو هدف اصلی زیر برپای می‌شد: یکی اینکه برای افزونی ضخامت و بزرگی و زیبایی و تزیین بنا ساخته می‌شد. دو دیگر اینکه برای افزودن و زیاد کردن مکان و فضای ساختمان اصلی؛ و ایوان به صورت سقف‌دار نیز ساخته می‌شود که این ایوان همان کاربردی را دارد که صُفّه و پیش سراها در کاخها دارند. ایوان در وقت خودش عبارت بوده از یک فضای سرپوش که از بارش باران و اشعه و نور خورشید به داخل ساختمان اصلی محافظت و جلوگیری می‌کرده‌است. هنرهای تزیینی در معماری حضر در وجه نخست بر روی قسمت‌های بیرونی ایوانها در نیم ستونهایی که به بنای اصلی متصل بودند انجام می‌گرفت. و نیز بر روی ستونهایی که در بالاترین ارتفاع و بهترین قسمت بنا قرار می‌گرفتند. و نیز تزیینات بر روی مجسمه‌ها و پیکره‌های تراشیده‌شده از سنگهای قوسی در قسمت جلویی ایوانها که مجموعه‌ای از خدایان و موجودات اسطوره‌ای و احیاناً اشخاصی که در ساخت بنا نقش داشته‌اند را نشان می‌داد. و همچنین از تزیینات و هنرهای بکار گرفته شده در قسمت بیرونی

بنا عبارتند از: ۱- شکل‌های حیوانی ۲- شکل‌های گیاهی ۳- شکل‌های هندسی؛ که بین اینها شکل‌های مار افسانه‌ای و برگ گیاه اکانتوس (تاج‌الملوک) و طناب محکم و کلاه‌خود آهنی و سرنیزه دیده می‌شود. تزیینات هنری با این شکل و شیوه از ابتکارات معماری حضر است که برخی از عناصر معماری آن از «معماری آشوری» اقتباس شده و برخی دیگر از معماری هلنی و از خود نیز عناصری معماری افزون بر آنها اضافه نمودند و بکار گرفتند. مردم حضر بدون گمان در بکارگیری همه این عناصر معماری گوناگون و ایجاد پیوند و ارتباط در کمال ابتکار و انسجام و زیبایی و ترکیب بین آنها موفق بودند. تزیینات طاق‌های ایوانها با مجسمه‌ها و پیکره‌ها در حضر همراه با نقوش زیبا، یادآور همان چیزی است که آشوریها بر روی صاقها تزیین می‌کردند و آن اینگونه بود که بر روی الواح سنگی بنام «کاشانی» ترسیم می‌نمودند و از این نوع هنر، صاقی تزیین یافته بر روی لوح «کاشانی» در قلعه «شلمنصر سوم»<sup>۲</sup> در نمرود<sup>۳</sup> کشف گردیده است. و این لوح از دوره آشوری در موزه ملی عراق نگهداری می‌شود. تأثیرات معماری آشوری همچنین در شکل سر حیواناتی که در تزیینات معماری حضر بکار رفته مشاهده می‌شود که در قسمت ورودی ایوان زیر دو سر ستون کار گذاشته‌اند این سر حیوانات در جایی که برای آنها نوعی پالان برای سوار کردن آنها ساخته‌اند قرار می‌گیرند، که در ورودیهای کاخها و معابد آشوری پیدا شده‌اند. و اما ماسکهایی که بر روی دیوارهای دو ایوان بزرگ جنوبی و شمالی از مجموعه ایوانهای همردیف تزیین شده‌اند جز این نیست که از معماری آشوری اقتباس شده که معابد آنها را معمولاً با ماسکه‌های سنگی و

تعویذات و شکلهای گوناگون تزیین می کردند. اما ساخت و ساز بناهای حضر با قطعه سنگها و تزیینات این آثار با برگ گیاه اکانتوس (تاج الملوک) و کلاه خود آهنی و سرنیزه و آرایشهای دایره‌ای شکل در بنا، از اسلوبهای معماری هلنی می باشد. ولی معمار حضری همگی این عناصر معماری و اسلوبهای اقتباسی را متحول کرد و آنچه را ذهن خلاق معمار حضری در افزودن به این عناصر و ترکیب بین آنها می رسید محصول آن یک سبک و اسلوب معماری جدید بود که می توان با وجود این ویژگیها، آن را «سبک معماری حضر» نامید. البته این عناصر و اسلوب ویژه در هیچکدام از شهرهای معاصر دوره معماری حضر یافت نمی شود. این عناصر و اسلوب از ویژگیهای عمومی و کلی معماری حضر در اوج مجد و شکوفایی آن در دو دوره «سادات» و «ملوک» بود. با این وصف معبد مرن که داخل معبد کبیر برپای شده است با این اسلوبهای معماری متفاوت است، معبد مرن نسبت به سایر ابنیه از کهن ترین بناهای شهر حضر محسوب می شود. و آن از اطاقی مستطیل تشکیل یافته که بر روی سگویی ساخته شده که دو ردیف از ستونهای آن را احاطه کرده اند و آن اطاق به سبک ویژه ای در ارتفاع بلند، داخل ستونها قرار گرفته است. سبک معماری این معبد کوچک هلنی - رومی است و در دو دوره مختلف بنا شده است: سبک معماری دوره قدیم آن برمی گردد به ساخت تزیینات برآمده سردرها و اسپرها و چوبهای تزیین شده که همه بر اسلوب هنر یونانی دلالت دارند. دوره دوم آن برمی گردد به دوره ای که در عصر حکومت «سادات» متداول بود و آن ساخت ستونهای بزرگ بیرونی بنا است که دارای سرستونهایی است که



مرکب از سبک یونانی - کورنتی است. همچنین کلیه تزینات بیرونی این معابد با این «سبک ترکیبی» شکل یافته است. بخشی از بنای دیگری که داخل معبد کبیر ساخته شده و با سایر بناهای معبد متفاوت است «معبد شحیرو» بوده که شبیه معابد «اتروسکها» می باشد. این معبد از سکویی که دارای ورودی بسیار بلندی است و در مقدمه معبد نیز محجر و چهاردیواری (و شاید خانه‌ای چوبین) را ساخته‌اند که دارای چهار ستون است. معبد «شحیرو» همچنین از نظر شکل ساخت با معابد رومی که آرامگاه بزرگان بوده و در شمال آفریقا قابل مقایسه است. این نوع معابد در ساخت و سازهای اولیه دارای سقفی بودند که با تیرهای چوبی پوشیده شده بوده‌اند. معبد کبیر (معبد شمس = خورشید) باشکوهترین و بزرگترین بنای شهر حضر معبد کبیر است، این معبد با پارچه سنگهای عظیم مدور و مواد و مصالحی چون گچ بنا گردیده و درست در وسط شهر قرار گرفته که همه خیابانهای عریض و طویل شهر بدان منتهی می شود. ساختمان معبد رو به سوی مشرق ساخته شده برای اینکه در درجه نخست جهت عبادت خورشید اختصاص یافته است. معبد نزد ساکنین حضر به «هیکلاریا» یعنی معبد کبیر مشهور است یا «بیت‌الها» به معنی خانه خدایان (تصویر - ۳۳۱).

معبد کبیر تقریباً مستطیلی شکل است که با دیوارهایی احاطه شده است. ابعاد این دیوارها از آغاز ضلع شمالی قسمت داخلی معبد به ترتیب اینگونه است: ۴۳۵ متر؛ ۳۲۱/۵ متر، ۴۳۸ متر (ضلع جنوبی)، ۳۱۰ متر. معبد دروازه‌ای اصلی و بزرگ. در دیوار شرقی داشته و علاوه بر آن یازده دروازه دیگر نیز دارد معبد بطور کلی با دیواری که دو دروازه بزرگ در آن تعبیه

شده به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. حرم معبد، ۲. صحن معبد. در بخش حرم، ردیفی از ایوانهایی قرار دارد که رو به شرق دارند و پشت ایوانها نیز خلوتگاه شمس قرار گرفته، و آن اطافی چهارگوش که با راهروهایی که به آن منتهی می‌شود احاطه شده‌است و در مقابل ردیف ایوانها عبادتگاه رب‌النوع «شحیرو» قرار دارد که در روبروی این عبادتگاه نیز عبادتگاهی از آن خدایی مجهول و ناشناس ساخته شده‌است. در حرم دو بنای دیگر نیز وجود دارد که تابحال در مودر آنها هیچگونه کاوشی انجام نگرفته است. یکی از آن دو، آنسوی عبادتگاه «شحیرو» بوده و دوومی از آن در زاویه جنوب شرقی حرم می‌باشد. اما در صحن معبد مهمترین و بارزترین اثری که در آن ساخته شده معبد «مرن» است که در عقیده تثلیث ساکنین حضر سید و سرور همه می‌باشد، این معبد به دو ردیف از ستونهای بلند احاطه گشته است. در صحن همچنین قربانگانی بزرگ و مرده‌شوی خانه و خانه سقایت (آبرسانی و آبدهی زائران) همگی در زاویه جنوب غربی احداث شده‌اند. برای استحکام بخشی و مقاومت دیوارهای داخلی معبد در برخی از جاهای معین و مشخصی، بناهایی ساخته‌اند که گمان می‌رود سقف آنها با چوب پوشانده شده و ستونهایشان را هم از سنگ و گچ بوده‌است. در بخش رواق جنوبی معبد مرن بیرونی دیوارهای اصلی معبد نیز، بویژه در دو طرف دروازه‌ها اطاقهایی مشاهده می‌گردد که برای نگهبانها و سکونت کارکنان معبد ساخته بودند. البته بزرگان و اشراف حضر در پایه‌گذاری و ساخت و ساز این معبد قبل از ظهور و تشکیل دولت و کشورشان، با هم همکاری و تعاون داشته‌اند. این موضوع در کاوشهای

اندکی که از طبقات مختلف اثر (در ترانسه‌ها) انجام گرفته ثابت می‌شود و همچنین مرمت و بازسازی اثر در دوره‌های مختلف هم نشانگر آن است. معبد حصارهایی دارد که درای برجهایی دایره‌ای شکل هستند. البته در باب دیوارهای فعلی بین کارشناسان اختلاف وجود دارد ولی به هر حال در کاوشهای باستان‌شناسی بقایای این برجاها در زیر بنا و پایه‌های اصلی دیوار شرقی پیدا شده‌اند. با توجه به محدوده کاوشهای باستان‌شناسی که از روز نخست تا بحال انجام گرفته و در کشف و شناسایی آثار و ابنیه معبد موفق بوده، از قدیم‌ترین آثار معبد می‌توان به ترتیب موارد ذیل را برشمرد: نخست معبد «مرن» که قدیم‌ترین بنای معبد «کبیر» است و پس از آن عبادتگاه «شحیرو» و آنگاه عبادتگاه روبروی آن. بعد از آن صفی از ایوانهای هم‌ردیف و در پایان خلوتگاه «شمس» است یعنی معبد چهارگوشی که توسط «سنطروق اول» به اتمام رسید. در دورانهای متأخرتر از آن، در جبهه دیوار شمالی برای دفن مردگان، قبرها و بناهایی گودالی نیز ایجاد کرده‌اند که برای ورود به اطاقهای این گورستانها درهایی تعبیه شده که بر درب‌های دیوارهای معبد کبیر افزوده‌اند. ۱- ایوانهای هم‌ردیف هشت ایوان در مجاورت و هم‌ردیف هم در یک صف واحد رو به جبهه شرقی قرار گرفته‌اند و با استفاده از سنگ و گچ در قسمت بالای حرم معبد کبیر ساخته شده‌اند. طول این ایوانها در اصل ۱۱۵ متر و ارتفاعشان نزدیک ۲۳ متر می‌باشد. ایوانها در دو بخش با شیوه‌های تزینی در قسمتهای جهات افقی مزین شده‌اند که یک بخش از ایوانها بلندتر از آن دیگری است، بخشهای تزین شده سطح پایین ایوانها در قسمت آغازین فضای باز

ایوانهای کوچک و بزرگ، قوام و استحکام یافته‌اند. ایوانهای کوچک به صورت زوج واحدی بلندتر از دیگری از حیث ارتفاع، در وسط ایوان بزرگ قرار گرفته‌اند. ایوانهای بخش دوم که از نظر ارتفاع بلندتر هستند، با ستونهایی (در جلوی ایوان) که دراز و بلند بوده در دو ردیف ستونهای کوتاه تعبیه و ساخته شده‌اند. و علاوه بر آن در نمای بیرونی ایوان تزئیناتی بر سر ستونها افزوده شده و بر روی صاقهای ایوان نیز در نمای بیرونی ایوانها، مجسمه‌های نیم‌تنه‌ای به صورت نقش برجسته و ماسک مانند قرار داده‌اند. همچنین تندیسهایی از آن بزرگان حضر بر روی طاقچه‌ها در جاهای خالی مناسب در بین ایوانها قرار داده شده و نیز در ارتفاعات مختلف ایوانها تندس‌های این طاق در قسمت پایینی به شکل مدوسه‌ای جنی تزیین شده‌اند. در داخل هر کدام از ایوانهای بزرگ و همچنین برخی از ایوانهای کوچک قربانگاهی (مذبحی) ساخته‌اند که سطح آن را بالوچهایی طلایی و نقره‌ای و مسی تزیین کرده‌اند. قربانگاهی که در ایوان شمالی نیز قرار دارد اینگونه است. که بر این ایوان سایبانی نیز بالای ستونها قرار دارد. تقریباً در ایوان جنوبی هم قربانگاهی شبیه این قربانگاهها وجود دارد. این دو ایوان بزرگ به عنوان عبادتگاه اصلی و عمده در مجموعه ایوانهای همدریف محسوب می‌گردند و یکی از ایوانها متعلق به «شمس»، (خورشید) به نام «مرن» و دومی گمان می‌رود از آن همسرش «مرتن» باشد. در طول دیوارهای هر کدام از ایوانها در نمای بیرونی نقوشی تزیین شده تا ارتفاع ۴/۷۰ متر از سطح زمین (با برجستگی حدود ۵۴ سانتیمتر) وجود دارد. که بر روی آن تندیسهایی از عقاب نصب کرده‌اند. چهار تا



از این تندیسها در دو سوی ایوانها قرار گرفته‌اند و سرهایشان به جانب بیرون دیوار متوجه است. عقابی که بر نمای بیرونی ایوان شمالی نصب گردیده از نظر حجم بزرگتر به نظر می‌رسد و در آن پرهای عقاب به شکل باز آرایش نشده‌اند و شاید این دلالت کند بر اینکه باور داشتند نشانگر عقاب مادینه (مؤنث) است. اما عقابی که در ایوان جنوبی قرار دارد آن از حیث حجم کوچکتر است و در آنجا به گشودن بالهای پرنده اهتمام شده و احتمال است که این دلالت می‌کند که عقاب نرینه (مذکر) است. همچنین روی قربانگاه مجسمه عقابی دیگر را با اسلوب خاص خودش قرار داده‌اند، بخصوص که این مجسمه نصب شده و از جمیع جوانب آن حجاری هم شده است. دیوارهای داخل ایوانها با ستونهای چوبی تزئین شده‌اند که ۶ سانتیمتر از سطح دیوار بیرون میزند و این در ارتفاع تا ابتدای طاق و گنبد ادامه دارد. روی هر کدام از این ستونهای چوبی در ایوان جنوبی سه نقش برجسته (ماسک مانند) به شکل چهره بشر که نشانگر شخصیتها و رب‌النوعهای اساطیر کهن می‌باشند و نیز بر روی هر کدام از ستوها - ایوان شمالی مجدداً دو نقش برجسته دیگر از این چهره‌های انسان مانند وجود دارد. در همه این ایوانها و ساختمانها سه نوع وحدت و نظم معماری در بناسازی مشاهده می‌شود که عبارتند از: نخست ایوان جنوبی و در دو جانب ایوان، ایوانی کوچک و درو اتاق در امتداد آن قرار دارد، دومین عنصر معماری ایوان شمالی است و همچنین در دو جانب این ایوان هم، ایوانی کوچک و دو اتاق (در پشت آن) تعبیه شده است. و اسلوب مشترک بناسازی سومی اینست که در کنار دو ایوان هم‌ردیف و مجاور هم به اطاقی که در

عرض آنها ساخته شده منتهی می شود که در پشت ایوانها قرار دارد. از تحقیق و پژوهش شیوه بر هم نهادن سنگها بر روی دیوارها اسلوب و سبک معماری آن آشکار می شود و از مطالعاتی که بر روی پایه های بنا انجام گرفته و همچنین از پژوهش در کتیبه های روی دیوارها ثابت می شود که این عناصر سه گانه معماری در یک دوره انجام نگرفته است. نخست دو عنصر معماری اولی ساخته شده اند و سپس در مراحل اولیه تا ارتفاع بالای اسپر ایوان یعنی در ارتفاع ۴/۷۰ متر نسبت به سطح زمین ساخت و ساز انجام گرفته است. سپس عنصر دیگر معماری بر روی بنا انجام گرفته است و بعد از این ساخت و ساز «ورود مریا» تکمیل بنا را در مرحله اول بر عهده داشته اند. همچنانکه نام وی در جاهای زیادی بر روی ریوارها تکرار می شود که معمولاً بالاتر از اسپره ورودی ایوانها قرار گرفته است. بعد از اینکه این بخش نیز به پایان رسید ساخت قسمت سوم بنا در زمان «نصر و مریا» انجام گرفت. کسی که هنوز بطور یقین رابطه نسبی وی را با «ورود مریا» معلوم نگشته است. در دو قسمت معماری اول و دوم ملاحظه می شود که دیواری که در بخش روبرویی تا معبد «شحیرو» امتداد می یابد آنها را از هم جدا کرده است و در قسمت عقب تا دیوار غربی معبد کبیر ادامه پیدا می کند. در این دیوار دو دروازه وجود دارد که یکی از آنها در بخش جلویی قرار دارد و آن دیگری در بخش پشت بنا واقع شده است و شاید این دو دروازه برای نظم دادن به طواف زائران باشد و این دیوار در هر دوره ای ساخته شده باشد حرم معبد را به دو بخش مجزا تقسیم می نماید که گمان می رود یک بخش آن متعلق به «مرن» است که همان «خدای

شمس» باشد و بخش دوم حرم متعلق به (عبادت) همسرش «مرتن» است. امّا «برمرین» که عنصر سومی از اعتقادات تثلیث حضری به شمار می آید، محل پرستشگاه وی هنوز شناخته نشده است. شاید محل عبادت وی در مرحله سوم معماری همین ایوانهای همردیف بر پا بوده است. به سبب اینکه مجسمه‌هایی از آن گوساله‌ها پیدا شده که کلمه «مهر» [میترا] بر روی آن نقر شده است این قضیه دلالت می کند که احتمال دارد «میترائیسم» به شکلی خاص وارد اعتقادات حضریان شده باشد و شاید این باور داخل در عبادت برمرین و با آن ترکیب و ممزوج شده باشد. ساکنین حضر مجسمه‌های فرماندهان سپاه و لشکریان و کاتبان و پرده‌داران و خادمان و کاهنان معبد را در دو طرف دیوار فاصل قرار داده‌اند و همچنین در کنار دیواری که حرم معبد را از صحن معبد جدا می‌سازد، نیز مجسمه‌هایی نصب نموده‌اند. در ساخت و ساز مجموعه بنای ایوان جنوبی «برنی پسر یهبشی» مهندس شهر نظارت داشته است. معماری که اسم وز بر سقف اطاق شماره ۶ نقر گردیده است. علاوه بر آن در کنده کاریهای تزئینی و نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های آن فرزندان این مهندس به نام «ادی» و «زبید» و «یهبشی» مشترکاً نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند. در ساخت مجموعه بنای ایوان شمالی «کفع - ننی» مهندس حضری نظارت داشته‌اند وی نیز نامش بر سقف دو اطاق شماره ۱۰ و ۱۱ منقوش است. این دو معمار و مهندس با توجه به اسامی آنها ثابت می‌شود که از مردمان دیار بین‌النهرین یا اینکه از نیکان و بزرگان شهر حضر بوده‌اند. با این وصف اسامی آنها سامی می‌باشد به دلیل اینکه با اسم الهه «ننی» ترکیب یافته است. در کنار دیوارهای

ایوانهای همدیف قطعه سنگهایی از اسپرو برآمدگی سردری و ستونهای با سبک یونانی و نیز نمونه‌هایی و اجزایی از پایه ستونها با اسلوب اَتیکا که در ساخت این دیوارها بکار گرفته‌اند پیدا شدند. البته می‌توان بر آن بود که این عناصر معماری یافته شده متعلق به معبدی بسیار قدیمی بوده باشد که در محل همین ایوانهای همدیف برپای داشته‌اند. در بررسی این قطعه‌سنگها آشکار می‌شود که در زمانهای بسیار دور مورد استفاده بودند و در ساخت و ساز بکار گرفته‌اند زیرا تأثیرات عوامل طبیعی (در طول زمان) بر تزیینات این قطعات این مطلب را ثابت می‌کند بالاخره این ساخت و ساز در هر زمان که بوده باشد قطعاً طبقاتی از این معبد در اطاقهای ۳ و ۶ و ۱۰ و ۱۴ مورد شناسایی قرار گرفته است. معبد کبیر در وسط شهر بزرگترین و زیباترین عمارت آنهاست. معبد در درجه اول به شمس بزرگترین و مشهورترین رب‌النوعها اختصاص دارد. این معبد رو به سوی مشرق بنا شده و به شکل مستطیلی بوده که دیواری از آن به صحن و حرم معبد راه دارد. اما صحن معبد بسیار وسیع و گسترده است که رواقها آن را احاطه کرده‌اند و گمان می‌رود که صحن معبد مرکزی برای فعالیتهای گوناگون بوده که به جای اکوره در شهرهای یونانی و رومی استفاده می‌شده‌است. اهل شهر برای حفاظت معبد کبیر ناچار در و دیواری بلند را برای مواقع خطی ساخته بودند و این دیوار قبل از ساختن خندق و دیوار بلند شهرها بود. بنابراین برای ورود به داخل معبد باید از دروازه بزرگی که در ضلع شرقی قرار داشت وار گشت و همچنین از هفت دروازه دیگر در سایر ضلعهای معبد، روبه‌روی دروازه بزرگ معبد بُرجی بیرون از معبد قرار دارد که برخی



از صاحب نظران گمان می بردند از آثار و بناهای آتش و آتشکده باشد. در معبد کبیر اسلوب تسطیح در معماری به کار گرفته شده یعنی امتداد افقی آنچه که بعداً، در نخستین مسجدهای جامع مسلمانان مشاهده می شده و بسیار شایع بود. این نوع اسلوب معماری به هنر معماری نخستین عرب نزدیکتر و شبیه تر است. لذا در معبد، میدان بزرگی وجود دارد با مجموعه ای از بناهای جداگانه که هر کدام مستقل از آن دیگری ساخته شده اند. فضای بیرونی این ساختمانها بسیار ساده و خالی از تزئینات می باشد (بر خلاف معابد یونانی که تزئینات عمده در بخش بیرونی فضا و به خصوص نما به کار رفته است) به جز سبک کورنتی ها که روی آن و اجزایش، به جای اجزا ستون داز پایه و بدنه ستون و سر ستون و زیر ستون) مورد استفاده قرار گرفته است. علاوه بر آن، آنچه در جوانب ستونهای کم ارتفاع ساختمان، توسط اقوام مختلف فراهم آمده بود همگی از بین رفته که به عنوان آثار گسترده و زیادی به شکل نامرتب و نامنظم بس از زیر خاک ماندن بطور پراکنده پدیدار و نمایان شده بود. فضای بیرونی بناها را با پوششی که احیاناً از ردیفی از ستونهای کم ارتفاع ساخته شده اند و از کنگره های آشوری که معمولاً از سنگهای صاف و پهن فراهم آمده اند، تزئین و بنا کرده اند. اما بخش جلویی (سطح نما) این بناهای مستقل و جداگانه از طاق بلند و بزرگ و وسیعی ساخته که بر دو دیوار ساختمان استوارند و ورودی اصلی ایوان ساختمان هستند. طاق و قسمت بیرونی بنا مزین به انواع نقش برجسته و تزئینات معماری و مجسمه های منحصر به فرد است. معبد کبیر از چشم انداز بخش بیرونی به عنوان بنایی عظیم و گسترده که در آن

شیوه‌های معماری مکعب‌شکل آن در مقابل خودنمایی می‌کند، که این بنا مزین به انواع تزئینات معماری و مجسمه‌هایی است که همراه تابیدن و درخشش خورشید بر آن زیباتر شده و نورافشانی آن تابلوهای نصب‌شده را در جهت‌های مختلف آشکارتر می‌کند. کسی که وارد معبد می‌شود بعد از عبور از عقبه در ابتدای ایوان معبد با خلوتگاهی مواجه می‌شود که سقف آن بر ستونهایی استوار شده و به دیوار عقبی ایوان تکیه دارد و اغلب به وسیله دو پله به کف آن می‌رسند. در وسط خلوتگاه محلی برای ذبح و قربانی وجود دارد که مجسمه خدای معبد و خدایان دیگر در آن قرار داده شده‌است. و قطعاً این خلوتگاه از جالبترین و زیباترین قسمت‌های معبد بوده که بوسیله پارچه‌های ابریشمی و سایر بافتهای نفیس مزین و آراسته گشته‌است و این می‌تواند اشارتی باشد به آنچه تاریخنگاران رومی در رابطه با گنجینه‌های معبد کبیر بر آن اتفاق نظر دارند. معابد کوچک از جهت معماری و میزان استحکام و امکانات با معبد کبیر تفاوت دارند، این معابد عموماً ساختمانهایی هستند که برای بتها ساخته شده و از قسمت عبادتگاه که قسمتی به خلوتگاهی است که خدای معبد در آن قرار گرفته تشکیل شده و نیز در جلو عبادتگاه هم ایوانی مربع‌شکل است که تقریباً در همه جوانب آن اطاقهایی جهت سکونت کاهنان و اقامت زائران وجود دارد و در داخل هر معبد مجموعه‌ای از بت‌های کوچک همراه با بت خدای معبد در قسمت قربانگاه که وسط خلوتگاه واقع شده قرار می‌دادند و در بعضی معابد در ابتدای کف خلوتگاه قرار داده می‌شده‌است و همچنین در داخل معبد مجسمه‌های بزرگی از افراد سرشناس شهر قرار دارد که برای رستگاری ارواح

آنان از عذاب خدایان در آنجا جای گرفتند. در شهر حضر به شیوه و سبک معماری بیشتر به ساخت ایوان متکی است. لذا به کار گرفتن ستونهای سنگی در معماری آنجا قلیل است و بنابراین به همین دلیل کثرت ایوان و قلت ستون به طور کلی از معماری هلنی متمایز می گردد. بیشتر نقش و نگار و آرایشهای معماری در آنجا در وسط بخش جلویی بنا انجام می گرفته اما در معماری معابد یونان تزئینات در همه بخش جلویی نما به ویژه در سر ستونها دیده می شود و نیز بر روی طاقهایی که اکثر آنها در داخل بنا یا اطراف آن زده شده اند. این نوع آرایش معماری با توجه به عناصربندی متنوع آن به شکل جدیدی در معماری حضر پراکنده شده است. نمای اصلی معبد که از قطعات بزرگ سنگ ساخته شده، در ایوان بزرگ شکافته است. این ایوانهای بزرگی با طاقهای ضربی بلند پوشیده شده، در نما به وسیله در اتاق کوچکتر به نظر می رسد که دو طبقه بوده اند از هم جدا گردیده اند. این ایوانهای بزرگ که در این بنا موازی یکدیگرند در دوره اسلامی به صورت ایوانهای ورودی در آمده اند. شاید از همه قسمتهای بنا مهمتر اتاق کوچکتر مربع شکل است که مستقیماً مثبت ایوان جنوبی قرار گرفته است. این نوع طاق چهار گوش طاق دار که در اینجا یک قسمت رواق آنرا احاطه کرده است بعدها در زمان ساسانیان و سپس در روزگار اسلام به صورت اتاق چهار گوش گنبدداری در آمده است که در معماری ایوان جنبه حیاتی یافته است. این اتاق طاق دار واقع در معبد کبیر یادآور طرح آتشکده های هخامنشی است. لیکن به جای سقف مسطح بر روی ستونها با طاق پوشیده شده بوده است. وجه تشابه معابد دوره هخامنشی با این معبد وجود

اتاقهای چهار گوش (مکعب شکل) می باشد. در دوران پارتیان (معبد کبیر) از تزئینات گچی هم به صورت گچبری و هم به صورت نقاشی وسیعاً استفاده می شده. این همان فنی است که در زمان ساسانیان و سپس در ایران اسلامی به حد کمال می رسد. یکی دیگر از آثار زمان پارتیان آثار موجود دو کره خواجه در سیستان است. وجه تشابه این آثار با معابد هترا در استفاده از طاقهای ضربی برای پوشاندن سقف و همچنین وجود تالارهای ایوانی است. البته کاخ آشور نمونه پیشرفته معبد کبیر می باشد که در آن چهار ایوان وجود دارد که به یک حیاط مرکزی باز می شوند (برخلاف معبد که از دو ایوان موازی تشکیل شده است) کاخ فیروزآباد یکی دیگر از بناهایی که در زمان پارتیان ساخته شده. در این کاخ نیز مانند معبد هترا ایوانهایی وجود دارد که پشت ایوان مرکزی که در طرفین آن دو ایوان مستطیل شکل قرار داشته سه اتاق چهار گوش گنبددار واقع شده بود. در این کاخ هم از گچ استفاده بسیاری انجام گرفته. وجود دیوارهایی با ضخامت بسیار و فضای داخلی با حجم کمتر ویژگی دیگر این مکان با معبد کبیر می باشد. البته در قلعه دختر فیروزآباد هم ایوان طاق داری وجود دارد که در عقب آن اطاق چهار گوش گنبدداری قرار داشته است. وجود نیم ستونها در کاخ فیروزآباد را می توان شبیه ستونهای کم ارتفاع معبد کبیر هترا دانست. در تمام آثاری که از زمان پارتیان به بعد در این به وجود آمده است می توان وجود ایوان [به صورت تک ایوانی، دوايوانی (موازی یا روبه روی هم) یا چهارایوانی] را مشاهده کرد که برای پوشاندن سقف از طاقهای ضربی استفاده می شده است. که اکثراً پس از ایوان مرکزی اتاقی چهار گوش به



چشم می خورد که با طاق و گنبد پوشانده شده و در اطراف آن رواحتهایی وجود دارد که این نوع معماری در دوران های بعدی (بعد از اسلام) تبدیل به گفته خانه و شبستان مساجد گشته است. البته شهر حضر به صورت مدور برای جلوگیری از حملات دشمنان ساخته شده که شبیه سلیمان می باشد. از آنجا که شهر هترا بین معماری و تمدن ایران و معماری یونان و رم قرار داشته است می توان در معماری و دیگر آثار آن تلفیقی از دو تمدن یاد شده را مشاهده کرد. در یونان وجود ستونها در اکثر بناها به چشم می خورد البته با ویژگی های منحصر به فرد خود که وجود ارتفاع زیاد و تزئینات فراوان که نشانگر توجه زیاد آنها به نمای بیرونی است از ویژگی های آنهاست. همانطور که گفته شده در معماری معبد کبیر نیز ستونهایی وجود دارد البته این ستونها برخلاف معماری یونان ارتفاع کمتری دارند، همچنین از تزئیناتی که یونانیها در آنها استفاده می کردند خبری نیست بلکه ستونها به صورت ساده به کار می رفته و فقط بخش مرکزی نما دارای تزئینات بوده است. ستونها در معماری یونان به شکل درخت است یعنی پایه ستون بیشتر از بالای ستون می باشد در صورتی که در هترا قطر ستون از بالا تا پائین یکی می باشد. این نوع دقت در ریزه کاری باعث می شود که معماری یونان به صورت شاعرانه در آید. البته در یونان بیشتر از سنگ استفاده شده است در حالیکه در هترا کمترین استفاده از سنگ وجود داشته. همانطور که گفته شده در معابد یونان بیشتر به نما توجه می شود ولی در هترا معماری در رنگ است و به داخل بنا توجه بیشتری می گردد. وجود نقوش و حجاری ها و پیکر تراشی ها دلیل صحت این ادعاست. معبد هترا به صورت

مربع، مستطیل شکل و اگر بناست که این ویژگی در معماری های اولیه یونان بیشتر به چشم می خورد. وجود رواق در هر دو معماری به چشم می خورد. تفاوتی که بین معابد یونانی و هترا دیده می شود نوع پوشش سقف است که در معبد کبیر از طاق استفاده شده و در یونان سقفها به صورت ساده پوشانده می شدند. در درون معابد یک بخش وجود داشته که در آن تندیس الهه قرار داشته و هسته اصلی معبد را تشکیل می داده است. در معبد کبیر ایران بدون ستون وجود دارد اما در معابد یونان ایوان به یک سری ستون پوشانده شده است. در معابد یونان حجم دیوارها نسبت به معبد کبیر کمتر بوده و وجود ستونهای زیاد معبد را تبدیل به حجمی متخلخل کرده است و در صورتی که در معبد کبیر دیوارها فضای زیادی را اشغال می کنند و فضا بین دیوارها قرار می گیرند و به شکل مربع و مستطیل دیده می شوند. در پیکرتراشی و حجاری معبد کبیر تمایل به شمایل گرایی دیده می شود به صورتیکه تمام مجسمه های درون معبد به شکل انسان واقعی ساخته شده اند. پلان این مجموعه به صورت آلدنهایست و دیوارها فضای زیادی از معبد را به خود اختصاص داده اند.